

### الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص):

#### رهیافتی نو به سیره نگاری<sup>۱</sup>

محمد سپهری

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

Sepehran55@yahoo.com

#### چکیده

هر چند به دلایلی سیره نگاری با تأخیر نسبتاً زیادی آغاز شد، اما همواره زندگانی رسول خدا (ص) مورد توجه خاص مسلمانان بوده و تألیف در این موضوع همچنان ادامه دارد. وابستگی‌های دینی و مذهبی، مبانی و معیارهایی که هر یک از سیره‌نگاران بدان ملتزم بوده‌اند و نیز شیوه تنظیم و تدوین، سبک نگارش، اصول و اهداف و انگیزه‌های نویسندگان به تألیفات بسیار متنوع و مختلفی در سیره انجامیده است. یکی از نوشته‌های جدید در این حوزه، کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* (ص) نوشته سید جعفر مرتضی عاملی است. نویسنده ضمن تبیین سیمای رسول خدا (ص) در کتب و روایات مکتب خلافت، به بررسی پدیده منع حدیث و نقش آن در تحریف حقایق تاریخی و رواج احادیث جعلی می‌پردازد و از نقش نو مسلمانان اهل کتاب و قصه پردازان در این باره به تفصیل سخن می‌گوید و پس از تشریح اصول و معیارهای آشفته در تدوین سیره، اصول، ضوابط و معیارهایی برای انجام پژوهش علمی صحیح ارائه می‌دهد، و بر پایه متون عمده سنی و شیعی در حوزه‌های تفسیر، حدیث و تاریخ می‌کوشد تصویری درست از زندگانی رسول خدا (ص) ترسیم کند.

**کلیدواژه‌ها:** سیره نگاری، سیره نبوی، رسول خدا (ص)، سید جعفر مرتضی عاملی، *الصحيح*

*من سيرة النبي الاعظم* (ص).

---

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۱۱/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۱۲/۱۵.

## مقدمه

به تصریح قرآن که «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> پیامبر اعظم (ص) الگو و اسوه نیکوی مسلمانان و همه کمال‌جویان و هدایت‌طلبان است. او همواره نزد پیروان و یاران خود جایگاهی ویژه و ممتاز داشته است. چنان که امام علی (ع) در سخنی شیوا، رسول خدا (ص) را الگوی نیک دانسته، همگان را به اقتدا به پیامبر پاکیزه توصیه نموده است. از نظر امام دوست داشته‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیغمبر را سرمشق خود کند و به دنبال او رود.<sup>۲</sup> مسلمانان به فراخور حال و توان خود به سنت و سیرت حضرت توجهی خاص مبذول داشته و در ثبت و ضبط آن به رغم موانع و مشکلات فراوان کوشیده‌اند. آنان این کار را از دوره‌های نخست صدر اسلام آغاز کردند و به رغم فراز و فرودها هرگز متوقف نشد. وجود هزاران عنوان کتاب در کتابخانه‌های دنیا که با گرایشها و دیدگاههای متفاوت و در روزگاران دراز و سرزمین‌های مختلف نوشته شده، گواه این مدعا تواند بود.

مسلم است که نه اهداف و مقاصد همه نویسندگان یکی بوده است و نه استواری و اتقان نوشته‌ها و دیدگاههای آنان، و نه حجم و جهت‌گیری آثار؛ بی‌تردید هر کدام با اهداف و انگیزه‌های متفاوت پا در این میدان گذاشته‌اند و بر پایه ذهنیتهای، عقاید و تعالیم دینی و فرقه‌ای خویش آثاری را پدید آورده‌اند. به همین سبب نمی‌توان نوشته‌های موجود در حوزه سیره نبوی را از یک منظر نگریست و درباره همه یکسان داوری کرد؛ و همان‌گونه که نمی‌توان آثار خاورشناسان - اعم از مغرض و بی‌طرف - را با تألیفات مسلمانان معتقد هم‌تراز دانست، نمی‌توان نوشته‌های مسلمانان را با هم در یک ترازوی سنجش مورد ارزیابی قرارداد. مسلم است که مسلمانی سنی مذهب بر پایه معیارها و مبانی مذهبی خود تصویری از رسول خدا (ص) ترسیم می‌کند که با معیارها و ضوابط مورد قبول مسلمانی شیعی مذهب بسی متفاوت و مختلف است. آنچه از هر دو گروه انتظار می‌رود، پای بندی و التزام به اصول و اخلاق علمی و پژوهشهای غیر جانبدارانه است که در آن حقیقت را قربانی اهداف و مقاصد فردی و گروهی خویش نسازند و با رعایت امانت و دقت مخاطبان خود را گمراه نسازند.

---

۱. الاحزاب : ۲۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

در میان انبوه پرشمار نوشته‌های مسلمانان در حوزه سیره‌نگاری می‌توان به آثاری برخورد که از برخی وجوه و جنبه‌ها توانسته‌اند توجه مخاطبان و محافل علمی و پژوهشی را به خود جلب کنند. یکی از این آثار که ثمره حوزه‌های علمی شیعی است و به جرأت می‌توان گفت در محافل علمی مکتب امامت از جهاتی بی نظیر است، کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* (ص) نوشته سید جعفر مرتضی عاملی است. این نویسنده لبنانی تبار در حوزه‌های علمی نجف و قم تحصیل کرد و از سن حدود بیست سالگی کار مطالعه و تحقیق در سیره نبوی را آغاز نمود و ماحصل آن را به تدریج منتشر ساخت. کامل‌ترین دوره آن که تاکنون منتشر شده، اثری ده جلدی است و سیره پیغمبر (ص) را تا پایان جنگ احزاب پی می‌گیرد. این کتاب در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده و معرفی شد. در سال ۱۳۸۵ جایزه کتاب سال ولایت را برد و نویسنده در همین سال در بخش ویژه کتاب سال، مورد تقدیر ویژه قرار گرفت. دوره کامل *الصحيح* که به ۳۵ جلد می‌رسد، به زودی منتشر خواهد شد. جلد نخست این کتاب، با عنوان: *المدخل لدراسة السيرة النبوية* به صورت مستقل چاپ و زیر عنوان: *درآمدی بر سیره نبوی* ترجمه و منتشر شده است. چنان که جلد دوم و سوم نیز با عنوان: *سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام* (ص) به فارسی ترجمه و منتشر شده است. ترجمه و تلخیص دوره ده جلدی با عنوان *سیرت جاودانه* در دو جلد ترجمه و منتشر شده است.

در این مقاله خواهیم کوشید ضمن تبیین ویژگیهای عمده این اثر، و تشریح خطوط و اصول کلی حاکم بر پژوهش سید جعفر مرتضی و بیان نمونه‌هایی به نقد آن نیز پردازیم. تحلیل محتوا و بررسی میزان صحت و سقم داده‌ها و نتایج پژوهش نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است.

## ۱. معیارهای شناخت اخبار

نخستین جلد از کتاب *الصحيح* به مباحث مقدماتی در حوزه سیره‌نگاری اختصاص دارد. نویسنده در صدد آن است که به جای تبیین کلیات و توضیح مفاهیم به بررسی پیشینه سیره‌نگاری و خطوط کلی آن در دو مکتب خلافت و امامت بپردازد. از این رو در هشت فصل، موضوعاتی از قبیل: سیمای پیغمبر (ص) در مکتب خلافت، سیاست منع تدوین و نقل حدیث، مفتیان جایگزین، قصه گویان و نقش آنان در تحریف سیره، اهداف، انگیزه‌ها، آثار و نتایج سیاستهای رسمی در قبال سیره، ضرورت حضور امام معصوم در جامعه، معیارها و ضوابط آشفته

در تدوین و نقل سیره و ضوابط و معیارهای درست پژوهش علمی را نقد و بررسی می‌کند. استقلال مباحث جلد نخست، از موضوعات و مصادیق مربوط به سیره نبوی موجب شد تا به صورت جداگانه با عنوان *المدخل لدراسة السيرة النبوية* چاپ و زیر عنوان: *درآمدی بر سیره نبوی* ترجمه و منتشر شود.

در فصل هفتم به بررسی ضوابط آشفته در تدوین و نقل سیره نبوی بر اساس مکتب و سیاست رسمی خلفا و فرمانروایان پرداخته و بیش از ۵۰ مورد از این ضوابط را با توضیح مختصر بر شمرده است. از مهمترین موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: عدالت صحابه، زندیق بودن منتقد صحابه، بخشودگی گناهان بدری‌ها، اجتهاد و فتوای صحابه، اجتهاد در مقابل نص، سنت خلفا، روایات مُرسَل صحابه، سهو پیغمبر (ص)، عصمت امت، اجماع، ظن، رأی و قیاس، سَدِّ باب اجتهاد، موافقت اهل کتاب، حدیث بنی اسرائیل، حسن و قبح شرعی، و صدور انحصاری فتوا<sup>۱</sup>. فصل هشتم به تبیین معیارها و ضوابطی اختصاص دارد که از دیدگاه نویسنده می‌تواند به پژوهشگر سیره نبوی در رسیدن به اخبار صحیح یاری کند. وی در این باره به بیان دوازده ضابطه و ملاک برای شناخت اخبار درست، و شرح اختصاری هر کدام می‌پردازد و عقیده دارد که این ضوابط و ابزارهای پژوهش علمی نزد آگاهان مسلمان با ابزارهای علمی سایر عقلای بشر تفاوتی ندارد و مراعات، التزام و پای بندی به آنها در زمینه‌های مختلف پژوهش علمی واقع گرا، و بی طرفی در پذیرش یا رد اخبار و متون تاریخی ضروری است<sup>۲</sup>. این معیارها و ضوابط پژوهش علمی عبارتند از:

۱. بررسی حال ناقلان (جرح و تعدیل راوی)
۲. التزام به شیوه بیانی صحیح (عنایت به فصاحت و بلاغت در احادیث رسول خدا ص)
۳. هماهنگی با طرح و برنامه (عدم تعارض نصوص در مسائل عقلی و عقیدتی)
۴. خصایص و ویژگیهای شخصیتی (شخصیت شناسی افراد)
۵. عدم تناقض و تعارض بین نصوص در یک مسئله
۶. عدم مخالفت اخبار با واقعیت محسوس

۱. عاملی، *الصحيح*، ۱۹۵/۱-۲۵۲.

۲. همو، ۲۵۶/۱-۲۵۷.

۷. عدم مخالفت اخبار با بدیهیات

۸. عدم مخالفت اخبار با حقایق ثابت علمی

۹. امکان وقوع تاریخی

۱۰. موافقت با احکام فطری و عقلی

۱۱. هماهنگی با اوضاع و تحولات سیاسی اجتماعی

۱۲. موافقت با قرآن<sup>۱</sup>

چنان که در مباحث بعدی خواهد آمد، بررسی موضوعات و دقت در تحلیل‌های نویسنده در بررسی صحت و سقم اخبار و حوادث تاریخی در خصوص سیره نشان می‌دهد که علاوه بر ضوابط و معیارهای مورد تأکید، به اصول و ضوابط دیگری هم پای بندی عمیق نشان داده است. از جمله می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

۱. مخالفت اخبار با اسرائیلیات<sup>۲</sup>

۲. مخالفت با روایات قصه‌گویان<sup>۳</sup>

۳. مخالفت با اهداف و مقاصد حاکمان ستمگر<sup>۴</sup>

۴. موافقت با احکام قطعی فقهی<sup>۵</sup>

## ۲. بهره‌گیری از قرآن

نویسنده با اعتقاد عمیق به بهره‌گیری از آیات قرآن در موضوعات و مسائل مختلف و با عنایت به آنچه درباره معیار بودن قرآن در پذیرش یا رد اخبار و حوادث تاریخی در نخستین جلد *الصحيح*<sup>۶</sup> مورد تأکید ویژه قرار داده، آن را با استناد به آیات، صحیح‌ترین کتاب می‌داند که باطل به هیچ وجه در آن راه ندارد. از این رو کتاب خدا را درست‌ترین و بزرگ‌ترین معیار و

۱. همو، ۲۶۰/۱-۲۶۷.

۲. همو، ۹۵/۱-۱۱۷.

۳. همو، ۱۲۲/۱-۱۳۶.

۴. همو، ۱۴۱/۱-۱۴۴.

۵. همو، ۳۶/۱-۳۸؛ ۳۳/۷-۳۷.

۶. همو، ۲۶۶/۱-۲۷۷.

میزان برای سنجش صحت و سقم روایات و اخبار می‌شمارد و با استناد به روایات و احادیث متواتر، عقیده دارد که باید همه روایات را به کتاب خدا عرضه کرد، و هر چه موافق آن بود، گرفت و هر چه مخالف آن باشد، ترک کرد. سپس روایاتی از منابع شیعه و سنی در تأیید دیدگاه خویش می‌آورد و نتیجه می‌گیرد که این حکم پیغمبر (ص)، ائمه اطهار و شماری از صحابه است که قرآن را حکم، مرجع و میزان تشخیص حق از باطل معرفی کرده‌اند. عقل سلیم و فطرت مستقیم نیز پس از اقامه دلیل بر این که قرآن، کتاب مُنزَل خداوند بر پیغمبر مُرسَل است، به همین قاعده حکم می‌کند.<sup>۱</sup> نویسنده، برپایه همین عقیده، لاقلاً از پانصد آیه قرآن در اثبات صحت اخبار و حوادث یا رد شماری از گزارشهای تاریخی بهره برده است. مواردی را که از قرآن مدد گرفته می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. اوضاع فرهنگی اجتماعی عربستان به هنگام بعثت رسول خدا (ص)<sup>۲</sup>
۲. عقاید و تشریح احکام، مثل تقیه<sup>۳</sup>، تشریح زکات و روزه<sup>۴</sup>، جهاد<sup>۵</sup>، خمس<sup>۶</sup>
۳. موضوعات مرتبط با شخص رسول خدا (ص) مثل شق صدر<sup>۷</sup>، ایمان پدران حضرت<sup>۸</sup>، نبوت و ایمان حضرت قبل از بعثت<sup>۹</sup>، بشارت یهود و نصارا به ظهور حضرت<sup>۱۰</sup>
۴. بعثت و ظهور اسلام، رسالت و چگونگی نزول قرآن<sup>۱۱</sup>، آغاز وحی<sup>۱۲</sup>، مراحل دعوت<sup>۱۳</sup>،

۱. همو، ۱/ ۲۶۹.

۲. همو، ۱۷۲-۲۰.

۳. همو، ۱۰۱/۳-۱۰۴.

۴. همو، ۲۹۷/۴-۳۰۲، ۳۰۵.

۵. همو، ۴/ ۳۳۱-۳۳۲.

۶. همو، ۱۹۹/۵.

۷. همو، ۸۷/۲-۸۸.

۸. همو، ۱۸۷/۲-۱۹۰.

۹. همو، ۱۹۶/۲-۲۰۱.

۱۰. همو، ۲/ ۲۱۹-۲۲۱.

۱۱. همو، ۲/ ۲۲۴-۲۵۰.

۱۲. همو، ۲/ ۲۵۱.

۱۳. همو، ۲/ ۳۳۶؛ ۳/ ۶۰-۱۰۰.

اهداف بعثت<sup>۱</sup>

۵. اسراء ومعراج<sup>۲</sup>

۶. داستان غرانیق<sup>۳</sup>

۷. شق القمر<sup>۴</sup>

۸. موضوعات مرتبط با يهود مدینه، مثل رجم يهوديان<sup>۵</sup>، پيمان شکنی يهود<sup>۶</sup>، غزوه بنی

نضير<sup>۷</sup>

۹. نبردهای حضرت، از جمله: سريه عبدالله بن جحش<sup>۸</sup>، جنگ بدر کبری<sup>۹</sup>، جنگ احد<sup>۱۰</sup>،

حمراء الاسد<sup>۱۱</sup>، بدر الموعد<sup>۱۲</sup>، سريه‌های رجيع و بئر معونه<sup>۱۳</sup>، جنگ احزاب<sup>۱۴</sup> و موضوعاتی ديگر

از قبيل: ضرورت هجرت<sup>۱۵</sup>، سرقت بنی ابيرق<sup>۱۶</sup>، پیروزی رومیان بر ایرانیان<sup>۱۷</sup>، هجرت وغار<sup>۱۸</sup> و

مسلمانی عبدالله بن سلام<sup>۱۹</sup>

۱. همو، ۵۷/۳-۵۸.

۲- همو، ۱۸/۳-۱۹.

۳. همو، ۱۳۷/۳-۱۴۸.

۴. همو، ۲۰۲/۳-۲۱۲.

۵. همو، ۸۱/۷-۱۰۸.

۶. همو، ۲۴/۶-۲۵، ۳۱-۳۳، ۵۸-۶۰، ۶۶.

۷. همو، ۵۳/۸-۵۴، ۶۳-۵۸، ۱۲۴-۶۵، ۹۳-۱۳۵-۱۲۸، ۲۱۳-۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۱، ۱۴۹، ۱۳۸.

۸. همو، ۳۳۵/۴-۳۳۶.

۹. همو، ۱۱/۵، ۳، ۳۴-۳۶، ۵۱-۵۳، ۸۲-۸۵، ۸۹، ۹۴، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۱-۱۲۳.

۱۰. همو، ۸۲/۶-۸۳، ۸۹-۱۰۶، ۱۲۴، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۴۴-۲۴۸، ۲۵۷، ۲۹۲.

۱۱. همو، ۳۰۳/۶-۳۰۴.

۱۲. همو، ۳۶۸/۸-۳۶۹، ۳۷۱.

۱۳. همو، ۱۶۱/۷، ۱۹۵-۱۹۶، ۲۴۰، ۲۸۹.

۱۴. همو، ۲۶/۹، ۷۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۴۸، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۴۱.

۱۵. همو، ۳۳۴/۳.

۱۶. همو، ۱۶۱/۷، ۱۹۵-۱۹۶.

۱۷. همو، ۳۳۸/۵.

۱۸. همو، ۲۳/۴-۳۴.

۱۹. همو، ۱۴۴/۴-۱۵۲.

نویسنده در استناد به آیات قرآن در پذیرش یا رد اخبار و حوادث تاریخی از شیوه‌های زیر بهره گرفته است :

۱. استناد به نص آیات<sup>۱</sup>
۲. استناد به ظاهر آیات<sup>۲</sup>
۳. استناد به مضمون و مفهوم آیات<sup>۳</sup>
۴. استناد به سیاق آیات<sup>۴</sup>
۵. استناد به شأن نزول آیات<sup>۵</sup>

### ۳. دخالت دادن باورهای کلامی

در این باره اختلاف نظر است که آیا می‌توان در بررسی گزاره‌های تاریخی در حوزه سیره نبوی از باورهای کلامی و به عبارت دیگر از اصول عقیدتی بهره گرفت؟ با آنکه مسلم است که نباید باورهای کلامی را در بررسی اخبار و گزارشهای تاریخی صرف دخالت داد و بر تحلیل گران و صاحب‌نظران حوزه تاریخ فرض است که برای رسیدن به بینشی دقیق و هر چه نزدیکتر به واقعیت، و دوری از جانبداری ناخودآگاه از اشخاص و گروهها، هرچه بیشتر از باورهای عقیدتی و کلامی در تحلیل گزارشها، اخبار و روایات تاریخی پرهیز کنند؛ اما نویسنده *الصحيح معتقد* است که سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست تا در بررسی و پذیرش یا رد آن فقط معیارهای تاریخی و روشهای بررسی اسناد و مدارک تاریخی مورد ملاحظه پژوهشگر باشد، بلکه یک منبع معرفت شناختی است که همه تعالیم، آموزه‌ها و ارزشهای دینی از آن قابل استخراج است<sup>۶</sup> و اصولاً سنت در کنار قرآن، دومین منبع احکام و تعالیم دینی است. از این رو سیرت و سنت بر پایه معیارها و شاخصه‌های خاص یعنی مطابق نقشه، طرح و سیاست، و خواست (اراده) الهی است.

۱. همو، ۱۸/۲، ۱۹-۱۳۷/۳، ۱۴۱-۱۳۷/۳.

۲. همو، ۲۷۱/۱، ۲۹-۳۲، ۳۴-۳۱/۲.

۳. همو، ۹۶/۱، ۹۷.

۴. همو، ۱۹/۱، ۹۳/۷.

۵. همو، ۱۷۳/۲، ۱۷۴.

۶. همو، مصاحبه با *مجله فروع و حدت*، شماره ۵، پائیز ۸۵، ص ۴-۵.



به همین علت نویسنده عقیده دارد که علاوه بر تحقیق و پژوهش در اسناد و روایات تاریخی، باید از باورهای مسلم کلامی هم بهره برد. به اعتقاد وی در تعارض باورهای کلامی و گزارشهای تاریخی، باورهای قطعی که حکایت‌گر حقایق ثابت هستند، بر اخبار و روایات تاریخی ترجیح دارد: قضایای مسلم کلامی و آنچه باورهای یقینی و مسلم ما را تشکیل می‌دهد به طور حتم نقشی اساسی در شناخت صحیح از ناصحیح دارد. چرا که ما نمی‌توانیم خبر معارض با این باورها را بپذیریم، و این به صورت ناخود آگاه وجود دارد؛ چه بپذیریم و چه نپذیریم.<sup>۱</sup>

نویسنده در حقیقت باورهای کلامی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند:

**دسته اول** آن بخش از باورهای قطعی است که از حقایق ثابت حکایت می‌کند، مثل وجود خداوند، صفات جلال و جمال باری، ارسال رسل و انزال کتب، شرایع و احکام و معجزات، نقش پیغمبران در جامعه بشری و هدایت امت، ضرورت امامت پس از پیغمبر (ص)، عصمت پیامبران و اوصیای خداوند و....

**دسته دوم** باورهایی است که ممکن است از مطالعه و دقت در زندگی مؤمنان صدر اسلام یا مردان بزرگ تاریخ به دست آمده باشد.

به اعتقاد نویسنده/صحیح، اگر نصوص و متون تاریخی با دسته نخست باورهای کلامی تعارض داشته باشد، در رد آن منتظر بحث سندی نمی‌شویم و بی‌درنگ آن را مردود می‌شماریم، اگر چه از موثق‌ترین راه روایت شده باشد. به نظر وی، تقدم عقاید مسلم و قطعی کلامی بر نصوص تاریخی، روش همه خردمندان است. در حالی که نمی‌توان باورهای کلامی دسته دوم را در تضاد و تعارض با متون تاریخی مقدم داشت. استدلال مؤلف در این باره چنین است: هنگامی عمل یک فرد می‌تواند منشأ باوری درست باشد که ثابت شود فقط به انگیزه ایمان و اعتقاد درست شکل گرفته است، در حالی که اولاً ثبوت چنین امری جز برای انبیاء و اوصیا بسیار مشکل است. ثانیاً ایمان و اعتقاد تنها محرک انسان در اعمال و رفتار نیست و ممکن است انگیزه‌های بسیاری او را به حرکت در آورند و به اعمال او نقش دهند.<sup>۲</sup>

بررسی دیدگاه‌های سید جعفر مرتضی در سراسر/الصحيح نشانگر آن است که وی نقش فوق‌العاده‌ای به باورهای مسلم کلامی در پژوهش و تحقیق در حوزه سیره نبوی قایل است،

۱. همو، آینه پژوهش، زمستان، ۶۹، ص ۶۴.

۲. همان جا.

چنان که از تبیین و گزارش مفصل وی پیرامون سیمای رسول اکرم (ص) در مکتب خلافت<sup>۱</sup> به دست می‌آید که انگیزه اصلی او از این همه توجه به باورهای کلامی این است که عقیده دارد: چهره بسیاری از حقایق تاریخی اسلام خصوصاً سیره نبی اعظم (ص) در پی انگیزه‌ها، مقاصد و اهداف سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی در پس پرده‌ای از تحریف پنهان شده است. از این رو مباحث و باورهای کلامی در مطالعات تاریخی وی جایگاه برجسته‌ای دارد تا آنجا که برخی او را به پیش داوری در بررسی‌های تاریخی متهم می‌کنند، و هر چند تاکنون نقدی مکتوب از این منظر درباره دیدگاه‌های تاریخی این نویسنده معاصر منتشر نشده، اما در اظهار نظرهای شفاهی برخی افراد، چنین سخنانی به گوش می‌رسد.

از میان باورهای مسلم کلامی که در تدوین *الصحيح* چونان معیاری قطعی تلقی شده و در موارد فراوان خصوصاً در مواضع رسمی رسول خدا (ص) در حوزه ابلاغ آیات الهی و پیشبرد امر دعوت مورد استناد نویسنده و عامل اصلی در پذیرش صحت یا رد گزارشها و اخبار تاریخی بوده است، عنصر عصمت است.

عصمت در تفسیر مرتضی گونه‌ای ملکه نفسانی است که فرد معصوم را به اختیار خود از گناه، خطا، سهو، و نسیان باز می‌دارد، چه در امور شخصی، چه در مقام دریافت وحی یا ابلاغ رسالت<sup>۲</sup>. وی رسول خدا (ص) را در همه افعال حتی مسائل جزئی معصوم می‌داند و از این رو بسیاری از روایات تاریخی را که به عقیده وی جسارت آمیز و خلاف شخصیت معصوم حضرت است، با این توجیه که ناشی از بی توجهی ناقلان به شخصیت قرآنی پیغمبر (ص) است، به شدت مورد اعتراض و انکار قرار می‌دهد؛ چنان که نفی عصمت حضرت در غیر تبلیغ را نیز نامعقول می‌خواند<sup>۳</sup>. به عقیده وی همین غفلت عالمان و مورخان مکتب خلافت موجب شده تا سیمایی از رسول خدا (ص) ترسیم کنند که نشان می‌دهد: فردی است فوق العاده ناتوان، همچون کودکان عمل می‌کند، چونان جاهلان سخن می‌گوید، خشنودی و خشم او از روی سبک مغزی، ناتوانی و آشفتگی است و همگان از او داناتر، قوی‌تر و عاقل‌ترند<sup>۴</sup>.

۱. همو، *الصحيح*، ۱۷/۱-۱۳۵.

۲. همو، ۱۸۵/۵-۱۸۷.

۳. همو، ۴۷/۱، نک: ۲۴۵/۱-۲۴۶.

۴. همو، ۱۷/۱-۲۲.

مرتضی به مناسبت نقل روایتی که بخاری<sup>۱</sup> از ابو هریره آورده و حاکی از سهو پیغمبر در نماز است، پس از بررسی روایات مختلف آنها را مضطرب و ناهماهنگ می‌داند و با استناد به عنصر عصمت فراگیر حضرت آن را مردود می‌شمارد. چنان که سهو مصلحتی حضرت را نیز نمی‌پذیرد و توجیهات ارائه شده در این باره را ناکافی می‌خواند.<sup>۲</sup>

نویسنده بر پایه همین عقیده داستان غرانیق را که در برخی متون مکتب خلافت آمده، علاوه بر ضعف سند و تناقض آشکار روایات، هم منافی عصمت قطعی حضرت از خطا و سهو می‌داند و هم بیان‌گر ارتداد<sup>۳</sup>؛ چنان که تغییر مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر به اشاره و رأی حَبَّاب بن مُنذر را نمی‌پذیرد و معتقد است که عصمت پیغمبر (ص) از خطا و نسیان به ضرورت عقل و نقل ثابت شده است. از این رو رأی و عمل آن حضرت در همه امور درست است و خطا و اشتباه در آن راه ندارد.<sup>۴</sup> اصولاً وی بسیاری از اخبار و گزارشهای تاریخی را با این توجیه که موجب طعن در عصمت پیغمبر (ص) می‌شود<sup>۵</sup>، رد می‌کند. از مواردی که به صراحت بر پایه همین عقیده مردود دانسته اینهاست:

تماشای رقص سیاهان در مسجد که مطابق برخی از روایات مکتب خلافت، در حالی که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت گذاشته بود، هر دو با هم نظاره‌گر رقص آنان بودند.<sup>۶</sup>  
مسابقه دو با عایشه که سپاه را رها کرد تا با همسرش مسابقه دهد، گاهی او می‌برد و گاهی این.<sup>۷</sup>

کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ لباسش را بیرون آورد.<sup>۸</sup>  
آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرا دادن حضرت به آنان به هنگام استقبال از او در ابتدای

۱. همو، ۱۷۵/۵ به نقل از: بخاری و مسلم و دیگران.

۲. همو، ۱۷۵/۵-۱۸۶.

۳. همو، ۱۴۱/۳.

۴. همو، ۲۹/۵.

۵. همو، ۳۳۰/۷.

۶. همو، ۱۸/۱.

۷. همان جا.

۸. همو، ۱۶۸/۲.

هجرت.<sup>۱</sup>

سخنان منسوب به حضرت در برخورد با قَتاده در قضیه دزدی از بنی اُبَیْرُق.<sup>۲</sup>  
لعن قبایل مضر، رعل، ذکوان و قاتلان قاریان قرآن در حادثه بئر معونه.<sup>۳</sup>  
نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه خلیفه دوم و مخالفت با رسول خدا (ص) در  
خصوص اسرای بدر.<sup>۴</sup>

پای بندی مرتضی به باورهای کلامی شیعی چنان است که گاهی اوقات به نظر می رسد  
برای اثبات یا رد یک مسئله در موضع جانبداری ایستاده است. چنین مواردی را می توان در  
مباحث مرتبط با چهره های شاخص مکتب خلافت و عناصری یافت که به گونه ای با مواضع  
عقیدتی نویسندگان سازگاری ندارد، اگر چه در عمده مباحث دلایل و شواهدی بر مبنای  
معیارهای خویش ارائه می دهد، اما در مواردی به نظر می رسد که بر پایه همین معیارها،  
خواسته از طرف به سختی باز خواست کند و رفتاری سخت گیرانه با او در پیش گرفته است.<sup>۵</sup>

#### ۴. اسرائیلیات و نقش مسلمان شده های اهل کتاب

هر چند حوزه نفوذ اسرائیلیات در معارف اسلامی و متون دینی عمدتاً در تفسیر و حدیث است،  
و پژوهشگران علاقمند جای پای این عناصر وارداتی را در کتابهای تفسیر و جوامع حدیثی  
پیگیری می کنند، اما متون تاریخی و نگاشته های مسلمانان در باره سیره نبوی نیز از آن خالی  
نمانده است. این عنوان به مطالب و داستانهای اطلاق می شود که از منابع اهل کتاب خصوصاً  
روایات یهودی و به وسیله یهودیان مسلمان شده، به متون دینی اسلامی راه یافته است. برخی  
از این هم فراتر رفته، هر گونه موضوع و روایتی را که در منابع کهن نباشد، در زمره اسرائیلیاتی  
برشمرده اند که دشمنان اسلام در تفسیر و حدیث مسلمانان وارد کرده اند.<sup>۶</sup> مرتضی عقیده دارد

۱. همو، ۱۱۸/۴.

۲. همو، ۱۲۱/۷.

۳. همو، ۱۱۴/۵.

۴. همو، ۳۳۱/۵.

۵. همو، ۹۰/۳-۱۰۰؛ ۵۰/۴-۸۱؛ ۹۸/۵-۱۰۲، ۱۶۲-۱۷۲.

۶. رمزی، ۱۹-۲۰.

که منشأ ورود اسرائیلیات به متون اسلامی، این روایت نادرست است که از زبان پیغمبر نقل کرده‌اند: **حَدَّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَأَحْرَجَ**<sup>۱</sup>. از دیدگاه وی مروجان اصلی اسرائیلیات، مسلمان شده‌های اهل کتاب همچون **كَعْبُ الْأَخْبَارِ**، عبدالله بن سلام، تمیم الداری و قصه‌گویان بودند که خود را به دستگاه خلافت نزدیک کردند و اهداف، مقاصد و انگیزه‌های خود را با نیازهای حاکمان پیوند زدند و با جعل حدیث و تحریف حقایق دین، ضربه‌های مهلکی بر پیکر مسلمانان وارد کردند<sup>۲</sup>.

به عقیده صاحب *الصحيح* جایگزینی که می‌توانست در تحقیق اهداف و مقاصد حاکمان موفقیت بیشتری داشته باشد، علوم اهل کتاب بود. اصولاً عرب جاهلی در معارف خود به اهل کتاب تکیه داشت و در مقابل دانشمندان یهود و نصارا احساس خود باختگی می‌کرد و آنان را منبع علم و معرفت، و خود را شاگرد آنان می‌پنداشت<sup>۳</sup>؛ چنان‌که قریش فردی را نزد یهود یثرب فرستادند تا از آنان درباره پیغمبر (ص) پرسش کند، بدین اعتبار که آنها اهل کتاب نخستین هستند و چیزهایی درباره پیغمبران می‌دانند که قریش نمی‌داند<sup>۴</sup>.

مرتضی با نقل روایتی که عبدالله بن سلام از پیغمبر (ص) اجازه خواست آداب روز شنبه یهودیان را به جای آورد و در نمازش آیاتی از تورات بخواند اما حضرت به او اجازه نداد، اظهار شگفتی می‌کند که چگونه برخی از مشاهیر صحابه به رغم نهی رسول اکرم (ص)، به فراگیری علم از اهل کتاب ادامه دادند تا آنجا که برخی از آنان به مدارس معروف یهودیان می‌رفتند<sup>۵</sup>. وی معتقد است که پس از اجرای سیاست منع نقل و کتابت حدیث، بهترین راه حل را برای یافتن جایگزین مناسب، ارجاع مردم به اهل کتاب یافتند؛ زیرا این کار هم با زمینه‌های فکری بسیاری از آنان سازگار بود و هم دیگران را به شناخت عجایب و شگفتیهای اهل کتاب وا می‌داشت و هم از شدت فشارهایی که از سوی مردم برای کسب معارف دینی بر پیکره نظام وارد می‌شد، می‌کاست.

۱. مرتضی، *الصحيح*، ۱۰۱/۱-۱۰۳.

۲. همو، *آینه پژوهش*، شماره ۵، ص ۶۸.

۳. همو، *الصحيح*، ۹۵/۱-۹۶.

۴. همان جا به نقل از ابی داود ۲۴۹/۲.

۵. همو، ۹۸/۱.

آنان این سیاست را در چند مرحله اجرا کردند :

۱. اجازه کلی با نقل روایتی منسوب به رسول خدا (ص): « از بنی اسرائیل روایت کنید که هیچ اشکالی ندارد.» بدین ترتیب اهل کتاب اجازه یافتند به طور رسمی و قانونی، و بدون مانع و مزاحم به نشر افسانه‌ها و اباطیل خود در میان مسلمانان بپردازند.

۲. تورات خوانی، کعب الاحبار اجازه یافت در اوقات مختلف شب و روز تورات بخواند.

۳. ترویج علم آموزی از اهل کتاب، مؤلف پس از بیان فراگیری مردم از کعب الاحبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام و شماری دیگر از دانشمندان اهل کتاب که اظهار مسلمانی کرده بودند، شماری از دانش آموختگان مکتب کعب الاحبار را نام می‌برد که از سرشناسان و بزرگان صحابه و تابعان بودند.

۴. ارجاعات صریح: دانش آموختگان مکتب اهل کتاب، اطرافیان خود را به فراگیری علم و دانش از آنان توصیه می‌کردند. از آن جمله به معاذ بن جبل و عبدالله بن عمر اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

نویسنده در موارد مختلفی به نقش کعب الاحبار<sup>۲</sup>، عبدالله بن سلام<sup>۳</sup>، و تمیم الداری<sup>۴</sup> در رواج اسرائیلیات تأکید کرده است. نمونه‌های فراوانی در صحیح وجود دارد که نویسنده آنها را در زمره اسرائیلیاتی برشمرده که اهل کتاب در محافل اسلامی ترویج کردند و در متون حدیث، تفسیر و تاریخ راه یافت، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ذبیح بودن اسحاق که آن را از کعب الاحبار یا از کتب اهل کتاب گرفته‌اند.<sup>۵</sup>

۲. حضور و نقش ورقه بن نوفل در ازدواج رسول خدا (ص) با خدیجه.<sup>۶</sup>

۳. یتیم قریش: این عنوان را هم از زبان رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که به خدیجه گفت: مرا چه به تو؟ تو بانوی قریش و من یتیم قریش، و هم از زبان ابوطالب که گفت: او بانوی

۱. همو، ۱۰۱/۱-۱۰۷.

۲. همو، ۹۸-۹۹، ۱۰۳-۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۷.

۳. همو، ۹۷/۱-۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۶.

۴. همو، ۱۲۳-۱۲۴.

۵. همو، ۴۲/۲-۵۴.

۶. همو، ۱۰۸/۲.

قريش است و تو يتيم قريش. نويسنده اين سخن را ساخته دشمنان دين يا اهل كتاب يا اذنبان امويان می‌داند که همواره می‌کوشیدند به گونه‌ای از منزلت و شأن رسول اکرم (ص) بکاهند<sup>۱</sup>.

۴. کشف عورت رسول خدا در اثر درآوردن لباس خود برای حمل سنگ در تعمیر کعبه: نويسنده با اين استناد که اهل كتاب گزارشهای متعددی درباره عريان شدن برخی از اهل كتاب آورده‌اند، آن را نیز از ساخته‌های آنان می‌داند که به قصد کاستن از موقعیت و منزلت حضرت ساخته‌اند<sup>۲</sup>.

۵. نزول وحی و نقش وَرَقَة و عَدَّاس در تشخیص رسالت پیغمبر (ص) و نیز حضور شیطان به هنگام نزول وحی: به عقیده مرتضی، این کار اهل كتاب است که خواسته‌اند چنین وانمود کنند که رسول خدا (ص) برای تأیید پیامبری خود به تصدیق آنان محتاج بوده و از این لحاظ مدیون کسانی چون وَرَقَة بن نُوفَل است. از سوی دیگر خواسته‌اند مسلمانان را به برتری خود و ژرفای دانش و آگاهی خویش معترف سازند. به عقیده وی رد پای این سخنان در عهدین دیده می‌شود<sup>۳</sup>.

۶. افسانه غرانیق: به عقیده نويسنده، قصه گویان، حسدورزان و نومسلمانان اهل كتاب این داستان ساختگی را در راستای اهداف مغرضانه وضد دینی خود ترویج کرده‌اند و خواسته‌اند عصمت حضرت را زیر سؤال ببرند<sup>۴</sup>.

۷. روزه عاشورا: نويسنده پس از رد این مسئله و بیان دلایل و شواهدی بر نادرستی آن، معتقد است که این نیز به منظور نشان دادن موافقت رسول خدا (ص) با اهل كتاب، ساخته شده است<sup>۵</sup>.

۸. ممنوعیت گریه بر اموات: مؤلف در حوادث احد، پس از عزاداری و گریه رسول خدا (ص) و مسلمانان بر شهدا خصوصاً حمزه به بررسی ممنوعیت گریه بر اموات در روایات برخی فرقه‌ها پرداخته است. وی در پایان ضمن رد این روایات، ممنوعیت گریه بر اموات را برگرفته از تعالیم

۱. همو، ۱۱۷/۲-۱۱۹.

۲. همو، ۱۷۶/۲-۱۷۷.

۳. همو، ۲۷۸/۲-۳۱۴.

۴. همو، ۱۳۷/۳-۱۴۸.

۵. همو، ۳۰۳/۴-۳۰۷.

اهل کتاب می داند.<sup>۱</sup>

### ۵. بررسی اختلاف روایات

یکی از ویژگیهای عمده و اساسی *الصحيح* که به آن برجستگی خاصی داده بررسی تفصیلی روایات مختلف هر حادثه است. نویسنده ابتدا با مراجعه به منابع و متون تاریخی اخبار مختلف هر حادثه را آورده سپس به بررسی اسناد و مدارک، و تحلیل محتوای آن می پردازد. وی در این کار بر پایه اصول، معیارها و ضوابطی پیش می رود که در جلد نخست از آن سخن گفته است و در حقیقت بررسی اختلاف روایات و اخبار تاریخی در پای بندی به همین معیار انجام شده است. وی در این راه به شیوه زیر عمل کرده است:

۱. توجه خاص به جایگاه شخصیتها و پایگاه اجتماعی، عقیدتی و سیاسی آنان: نویسنده کوشیده با این نگرش صحت و سقم گزارشهای تاریخی درباره برخی از اشخاص و گروهها را بررسی و تحلیل نماید، از جمله می توان به بحث مفصل وی درباره زید بن ثابت<sup>۲</sup> و سلمان فارسی<sup>۳</sup> اشاره کرد. چنان که موضوع شرکت بنی امیه در پیمان حلف الفضول را بر همین پایه نمی پذیرد<sup>۴</sup>. مؤلف نقش افراد و احزاب در حوادث مختلف را با هم بررسی نموده و تناقضهای رفتاری و نیز اختلاف اخبار و گزارشهای تاریخی درباره آنان را با حوصله و دقت نقد کرده است.

۲. بررسی مخالفت یا عدم تعارض اخبار با بدیهیات، واقعیات محسوس و حقایق ثابت علمی: نویسنده پای بندی سختی به تحلیلهای عقلانی در پذیرش یا رد گزارشهای تاریخی دارد. مواردی که نشانگر این تعهد و التزام مؤلف در *الصحيح* است، بسی فراوان و بیرون از شمارش است. چنان که کمتر موردی می توان سراغ گرفت که پس از جمع آوری دلایل و قراین و شواهد، در صحت یا سقم حادثه یا گزارشی این روش را نپیموده باشد. موضوع تأسیس تاریخ هجری، روایات اذان<sup>۵</sup>، گزارشهای مربوط به روابط خانوادگی علی (ع) و فاطمه (س)<sup>۶</sup> یا ذبیح بودن پدر

۱. همو، ۲۶۶/۶-۲۷۱.

۲. همو، ۳۲۲/۶-۳۴۵.

۳. همو، ۲۴۱/۴-۲۴۷؛ ۷/۷-۲۹.

۴. همو، ۱۷۴/۴-۲۰۶.

۵. همو، ۲۶۷/۴-۲۹۴.

۶. همو، ۳۱۵/۵-۳۲۷.



حضرت<sup>۱</sup> یا دیانت پیغمبر (ص) پیش از بعثت<sup>۲</sup> را می‌توان به عنوان مثال برشمرد.  
۳. بررسی امکان وقوع تاریخی: نویسنده در بررسی شماری از حوادث و گزارشهای تاریخی، به مقایسه سن افراد و زمان وقوع حادثه پرداخته و از این راه با بهره‌گیری از تحلیلهای عقلانی شماری از حوادث و وقایع را مردود دانسته و در صحت و اصالت شماری تردید کرده است. فی‌المثل با توجه به درگذشت ابو هریره و سعید بن زید پیش از سال ۵۹ ق، نمازگزاردن آن دو بر جنازه أمّ سلمه را مردود شمرده است.<sup>۳</sup>

۴. توجه به انگیزه راویان: نویسنده در خصوص شماری از راویان همچون زبیریان حساسیت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهد، چنان که درباره‌ی راویان مسلمان شده اهل کتاب خصوصاً یهودیان تردید جدی دارد و معتقد است که اخبار و گزارشهای آنان با اهداف وانگیزه‌های جانبدارانه، و به قصد تقویت مواضع برخی شخصیتها و تضعیف پایگاه سیاسی اجتماعی گروهی دیگر، و نیز ترویج و گسترش اسرائیلیات در میان مسلمانان صورت گرفته است. از این رو اخبار و گزارشهای مربوط به حادثه رجیع را که در آن شخصیتی بی‌نظیر و مثال‌زدنی از زبیر ترسیم می‌شود، به شدت رد می‌کند.<sup>۴</sup> وی معتقد است که این روایات را خاندان زبیر برای تقویت مواضع خود ساخته‌اند.

۵. بررسی امکان جمع بین روایات: مؤلف بر پایه‌ی این ضابطه اصولی که می‌گوید: الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكَنُ أَوْلَى مِنَ الطَّرْحِ؛ می‌کوشد تا آنجا که ضوابط و معیارهای پیش‌گفته وی اجازه می‌دهد، از دامنه‌ی اختلاف و تناقض اخبار و گزارشهای تاریخی بکاهد، چنان که در دو حادثه رجیع<sup>۵</sup> و بئر معونه<sup>۶</sup> به رغم بحث و بررسی فوق‌العاده مفصل پیرامون هر کدام، و رد بسیاری از جزئیات و تفصیلات ماجرا، اصل هر دو حادثه را با توجه به گزارشهای فراوان تاریخی می‌پذیرد.  
اگر چه عرضه‌ی روایات مختلف و بررسی صحت و سقم گزارشهای تاریخی از وجوه مختلف

۱. همو، ۱۹۵/۲-۲۰۴.

۲. همان جا.

۳. همو، ۲۴۸/۵.

۴. همو، ۲۱۵/۷-۲۳۰.

۵. همو، ۲۳۱/۷-۳۶۱.

۶. همو، ۱۵۵/۷-۲۳۰.

فی نفسه کاری ارزشمند و ستودنی است و به استواری و اتقان دیدگاههای ارائه شده کمک می‌کند، اما افراط و تفریط از هر جهت پسندیده نیست. به نظر می‌رسد نویسنده *الصحيح* در پای بندی به معیارهای خویش، در بسیاری از موارد دچار اطناب مُمَلّ شده است، بدین معنی که روایات و گزارشهای مختلف یک حادثه را از منابع گوناگون حدیثی، تفسیری، تاریخی، و سیر و مغازی به طور کامل نقل می‌کند و همه را به رغم مشترکات فراوان در لفظ می‌آورد. از این رو، به تکرار مکررات می‌انجامد و خواننده را از پیگیری مسئله خسته می‌کند. این کار از یک سو نمایانگر امانت و دقت در نقد و ارزیابی گزارشهای تاریخی است و از سوی دیگر موجب سردرگمی خواننده؛ چنان که در نقد گزارشهای مربوط به دو حادثه رجیع و بئر معونه<sup>۱</sup> آن قدر به تفصیل می‌پردازد که رشته بحث از دست می‌رود و خواننده در عرصه نقل روایات مختلف و تحلیل محتوای گزارشها - که در جای خود مفید است - سردرگم می‌شود و توان خود را در تشخیص حقیقت از دست می‌دهد؛ در حالی که مؤلف می‌توانست با گزینش روایات معارض و مختلف و ارجاع خوانندگان به منابع خویش، تصویری گویا و خلاصه از حقیقت واقعه ترسیم نماید و موجبات خستگی و سردرگمی آنان را فراهم نسازد.

۶. بهره گیری از منابع عمده فریقین یکی از معیارهای مهم در نقد و ارزیابی آثار تحقیقی ملاحظه منابع و مآخذی است که پژوهشگران در انجام طرحهای تحقیقاتی خود از آنها بهره برده اند. مؤلف *الصحيح* برای تدوین ده جلد نخست کتاب خود، چنان که در فهرست پایانی<sup>۲</sup> آورده است، از ۷۶۴ عنوان کتاب استفاده کرده است. مراجعه به این فهرست نشان می‌دهد که بیشتر منابع از متون قدیم دو مکتب امامت و خلافت در حوزه‌های مختلف تفسیر، حدیث، تاریخ و حتی فلسفه و کلام است. چنان که آثار مؤلفان و پدید آوردندگان جدید را نیز از نظر دور نداشته، بلکه در بسیاری موارد از کتاب خود به این گونه نوشته‌ها و دیدگاههای صاحبان آثار ارجاع و استناد داده است. در این میان، علاوه بر متون دینی اسلام از جمله *قرآن*، *نهج البلاغه* و *صحیفه سجاده*، به متون مقدس اهل کتاب خصوصاً عهد عتیق مراجعه و به آن استناد کرده است. علاوه بر این دیدگاههای خاورشناسان خصوصاً در باب سیره نبوی مانند *اسلام* نوشته هانری ماسه، مورد توجه و نقد نویسنده بوده و در مواردی به آنان پاسخ داده است. در این

۱. همو، ۱۵۵/۷-۳۰۴.

۲. همو، ۲۷۹/۱-۳۳۶.

بین، توجه نویسنده به متون حدیثی خصوصاً منابع عمومی، سیر و مغازی قابل ملاحظه است. ۷. موارد خلل و نقص: پیش از این به برخی از موارد خلل در کتاب/الصحيح اشاره کردیم، از جمله در بحث باورهای کلامی، بیان شد که در مواردی مؤلف به دلیل پای بندی به همین باورهای کلامی خصوصاً اعتقادات شیعی برخی از افراد را به سختی مورد مؤاخذه قرار داده است. چنین مؤاخذه‌هایی را بر پایه مبانی و معیارهای خویش اعمال کرده است. مورد دیگر در اختلاف روایات بود که با استناد به نقد و تفصیل بحث و عرضة روایات مختلف سخن به میان آمد. مواردی دیگری که می‌توان مورد توجه قرار داد، از این قرار است:

۱-۷. ناهماهنگی در ارائه مطالب: بدین معنی که در برخی موارد به تفصیل و با حوصله زیاد به عرضه و نقد روایات و گزارشهای مختلف یک حادثه پرداخته و در مقابل در شماری حوادث به اختصار بسنده کرده است، چنان که گذشت در عرضة روایات فاجعه رجیع و بئر معونه بسی تفصیل می‌دهد، اما به هنگام بحث از ولادت امام حسن مجتبی (ع) به نقل یک روایت بسنده کرده<sup>۱</sup> و از بررسی گزارشها و اختلاف روایات و دیدگاهها خودداری می‌کند.

۲-۷. بی‌توجهی به موارد اشتراک و اختلاف روایات: هر چند مؤلف در بیشتر حوادث و وقایع تاریخی، روایات مختلف را عرضه می‌دارد، اما در نقد و ارزیابی و نیز تحلیل محتوا کمتر به موارد اختلاف و اشتراک روایات توجه می‌ورزد و در این باره به هوش و ذکاوت خواننده اعتماد می‌کند، البته در تبیین حوادث و نقد گزارشهای تاریخی از بیان تناقض و اختلاف روایات غفلت نمی‌ورزد.

۳-۷. نامرتب بودن گزارشها: مؤلف در ارائه روایات و گزارشهای تاریخی روش واحدی در پیش نمی‌گیرد، فی‌المثل روایات را از نظر ضعف و قوت سند یا ترتیب زمانی منابع دسته بندی نمی‌کند، بلکه در هر مورد روش جداگانه‌ای در پیش می‌گیرد. عرضه و نقد روایات مربوط به داستان غرانیق<sup>۲</sup> با شیوه‌ای که در نقد و ارزیابی روایات و گزارشهای آغاز وحی و نزول آیات آمده<sup>۳</sup>، متفاوت است. در طرح اختلاف روایات مربوط به یک حادثه هم شیوه واحدی در پیش نمی‌گیرد. درحالی که در بیشتر حوادث می‌کوشد همه گزارشها را عرضه و سپس نقد نماید، در

۱. همو، ۲۶۱/۵.

۲. همو، ۱۴۰/۳.

۳. همو، ۲۸۵/۲-۳۱۴.

بررسی حلف الفضول<sup>۱</sup> روایات مربوط به حضور و شرکت بنی امیه را هر چند جعلی باشد، نمی‌آورد. همچنین روایت مربوط به اسراء و معراج با آن همه اختلافی که در متون دو مکتب امامت و خلافت دارد و به تبع آن دیدگاههای پیروان هر کدام با دیگری اختلاف فاحش دارد، به اجمال گزارش شده است<sup>۲</sup>، در حالی که طبیعت موضوع و روش کلی حاکم بر *الصحيح* مقتضی گزارش تفصیلی و عرضه همه روایات و نقد و بررسی آن است.

۵-۷. ناهمگونی در ارجاعات: ثبت ارجاعات در پاورقی شیوه یکسانی ندارد و چه بسا مواردی برخلاف شیوه معمول که ارجاع به عنوان کتاب است، به نام نویسنده ارجاع داده است. در مواردی نیز یک منبع را دو بار در یک پاورقی ثبت می‌کند. ارجاع به چاپهای متعدد یک کتاب از دیگر مواردی است که به سبب طولانی بودن زمان تحقیق گریبان گیر مؤلف شده است.

#### کتابشناسی

جعفریان، رسول (زیر نظر)، نقد و بررسی منابع سیره نبوی، تهران، سمت، ۱۳۷۸.  
حمید الله، محمد، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص)*، ترجمه سید محمد حسینی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.

رمزی، نعاغه، *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*، بیروت، بی نا، ۱۳۹۰ ق.  
روزنتال، فرانتس، *تاریخ نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

عاملی، سید جعفر مرتضی، *تحلیلی بر زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی (ع)*، ترجمه محمد سپهری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

— در آمدی بر سیره نبوی، ترجمه محمد سپهری، قم، دارالسیره، ۱۳۷۴.

— *سیرت جاودانه*، ترجمه محمد سپهری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

— *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، بیروت، دارالسیره، ۱۴۱۵ ق.

— *مصاحبه با آینه پژوهش*، شماره ۵، قم، زمستان ۱۳۶۹.

— *مصاحبه با فروع وحدت*، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، پائیز ۱۳۸۵.

۱. همو، ۱۴۱/۲.

۲. همو، ۷/۳-۹.